



**سیمرغ بهترین بازیگر زن جشنواره تعلق می گیرد به...**

شهروند فیلم قصر شیرین بازی های حیرت انگیزی دارد، به خصوص از حامد بهداد و البته دو بازیگر خردسال فیلم، نیوشا علیپور و احتمالاً یونا تمدن، دو بازیگر خردسال که در فیلم نقش فرزندان حامد بهداد را داشتند. در این بین با این که هر دو خیلی خوب بودند و تقریباً بهترین بازی های کودکانه در تاریخ سینمای ایران، اما نیوشا علیپور بی نظیر بود. دختر بچه ای که در دنیای بی رحم پیرامون به فانتزی های شیرین خود پناه آورده و تمام دشواری ها را تاب می آورد. نیوشا علیپور چنان در قصر شیرین خوب بود که به شوخی می گفتند سیمرغ بازیگری جشنواره براننده اوست.

## یادداشت

یادداشت های یک ۳۷ ساله

## کپی پیست آدم ها روی آنتن!



علیرضا مجمع  
منتقد

همین اول کار بگویم که از این کپی پیست کردن های برنامه هفت سر در نمی آورم. نقد که نقد است و تکلیف مسعود فراسستی و تیم ثابتش معلوم است. هر جور هم هست، شش هفت سال است که همین بساط است.

بخش دیگری به هفت امسال اضافه شده است که منظور حرف من روی آن است. بخشی احتمالاً تحلیلی که یک طرفش یک روزنامه نگار آشناس و سوی دیگر کپی پیست هایی از آدم هایی که تازه حال نه اسم آنها به گوشمان خورده، نه چهره شان آشناس، نه تا الان به هیچ کجای سینما ربط داشته اند.

اینها احتمالاً رفقای تهیه کننده جوان برنامه هستند که انگار مثل فیلم ماموریت غیر ممکن ماسک هایشان را عوض می کنند و می آیند می نشینند روبروی روزنامه نگار و تحلیلگر آشنای ما. هر چقدر نغمه دانش و محمدرضا مقدسیان و دکتر حسین زباد را می شناسیم، در آن سوی میز از سنفوری که روبروی اینها نشستند، فقط محسن یزدی برایمان آشناس.

هر سه تفکرشان یکی است و فقط لباس و صورتشان فرق دارد. هیچ آشنایی قبلی هم با مردم ندارند که بفهمیم با آنها چند چندیم. چه سابقه ای پشت نگاه اینها وجود دارد که آنتن پربیننده ترین برنامه سینمایی تلویزیون در اختیارشان قرار می گیرد، برای این که محتویات ذهنی شان را بیرون بریزند؟ این تفکر احتمالاً تفکر جوانگرایی بی پشتوانه تئوریک از سوی مدیریت شبکه سه است که چند وقتی است حتی عادل فروسی پور را هم پشت خط نگه داشته است.

نکته اصلی گفتمان ایدئولوژیک بی شناخت از سینماست که همه چیز را از زاویه دید خود می بیند. اگر این دوستان اندکی به قبل برگردند و به آرای سیدمرتضی آوینی مراجعه کنند - که احتمالاً از هر فرصتی برای ابراز ارادت به او استفاده می کنند - خواهند دید که سیدمرتضی در مقاله هایش می گفت «چیزی به اسم سینمای اسلامی نداریم. سینما محصول غرب است که ما داریم با ابزاری که غرب به ما داده است، کار می کنیم.» پس حلقه مفقوده سخن این رفقا همین ماجراست. قربانی کردن سینما دردی از کسی دوانمی کند.

## جدیدترین فیلم رضا میر کریمی بازگشتی به جلو بود

# یک قصر بسیار شیرین در سرزمینی تلخ

**دریا فرج پور** | قصر شیرین بازگشت رضا میر کریمی به رادر سینمای ایران است؛ فیلمی که باعث می شود دوباره رضا میر کریمی تبدیل شود به فیلمساز مهم؛ فیلمساز که می توان با امید به انتظار فیلم بعدی اش نشست. قصر شیرین این پتانسیل را دارد که فیلمساز رو به انقضایی مانند میر کریمی «امروز» و «دختر» را دوباره سر پا کند و کارگردانی دوست داشتنی بسازد.

## بهترین؟

قصر شیرین بی تردید بهترین فیلم رضا میر کریمی نیست، اما برای من فیلمی عزیزتر از تمام فیلم های کارنامه رضا میر کریمی است. فیلمی واقعا شیرین که این رامدین دختر بچه در چه یک فیلم است. فیلمی که شعاع نمی دهد، بیانی نمی دهد، درس اخلاق نمی دهد، با این که نمی دانیم شرایط تولیدش چگونه بوده، اما سرمایه گذاری را هم لو نمی دهد و به رغم این که نمی تواند یا نمی خواهد قصه هم بگوید، اما این که تماشاگر را درگیر سفر پدر و دو بچه اش می کند به این معناست که بارش را تا حد امکان به مقصد رسانده، بدون این که مثل خیلی دور خیلی نزدیک نسخه سعادت و ستگاری بیچده همه اینها قصر شیرین را تبدیل کرده به فیلمی عزیز و محترم.

## بازگشت به جلو!

تقریباً همه آنهايي که اندک شناختی از سینما دارند بر این باورند که سینمای ایران سینما نیست، فیلم های ایرانی در بهترین شرایط نسخه های بزرگ کرده فیلم های تلویزیونی هستند، حتی تحسین شده ترین هاشان فیلم هایی که به واسطه بهره گرفتن از بازیگرانی که چندان علاقهای به کار در تلویزیون ندارند، سینمایی محسوب می شوند، یا صرفاً به این دلیل که پروانه ساخت سینمایی دارند، نه به ویدیویی.

در این سینما اما معدود آدم هایی هستند که سینما را می شناسند و فیلم های سینمایی می سازند. ممکن است فیلم

بد بسازند، اما آن بدها هم فیلم بد سینمایی است. به همراه مسعود کیمیایی و داریوش مهرجویی و حمید نعمت الله و اصغر فرهادی و یکی دو نفر دیگر، رضا میر کریمی نیز یکی از این جمع انگشت شمار است. فیلمساز که فیلم هایش را اگر در صفحه تلویزیون ببینیم، بی شک چیزی از دست می دهیم. فیلمسازی که برای نمایش بر پرده بزرگ فیلم می سازد. فیلمسازی که لانگشات را می شناسد و گرفتن لانگشات را بلد است. کافی است سکاس های عبوری خودرو را در فیلم خیلی دور خیلی نزدیک به ذهن آورید تا ببینید در مورد چه چیزی حرف می زنم. این فیلمساز اما بعد از «به همین سادگی» خودش را از این توانایی محروم کرده، یعنی تیشه برداشته و خودخواسته زد و نقطه قوت خودش را شل و پل کرد. «یه حبه قند»، «امروز» و حتی «دختر» محصول این دوره اند. اما در قصر شیرین این کارگردان دوباره از زیر سقف و میان دیوارها بیرون آمده و به جاده زده، به مکانی که بهترین امکان را برای لانگشات های معروفش ایجاد می کند. حتی اگر هم قصر شیرین در حد بهترین های کارنامه میر کریمی نباشد، اما همین خود خوب است و یکی از بهترین دلایل برای این دستاورد، که تا این جای کار قصر شیرین رضا میر کریمی سینمایی ترین فیلم جشنواره است.

## قصر شیرین یا قصر شیرین؟!!

قصر شیرین داستان راننده ای است که بعد از یک تصادف خونین که او را بدل به قاتل کرده، از مرگ همسرش شیرین خبردار می شود. او که برای بردن خودرو همسر در گذشته اش آمده، به اجبار با فرزندان خردسالش همراه می شود. فیلم روند گام به گام این همراهی را نشان می دهد. این که چگونه غریبه بدعق و بداخلاق فیلم گام به گام به پذیرش نقش پدری خود نزدیک می شود، روندی تدریجی که بر خلاف اغلب موارد مشابه در سینمای ایران متقاعد کننده و باور پذیر است. علاوه بر این که

در این روند نه تنها این نزدیکی را به تماشا می نشینیم، که با داستانک های ظریفی که در گوشه و کنار داستان تنیده شده، همسر در گذشته را نیز بی این که حتی تائیدی او را دیده باشیم، می شناسیم

## سیمرغ های بازیگری

قصر شیرین بهترین بازی های امسال - تاکنون - را نیز دارد؛ به خصوص حامد بهداد که در ادامه روندی که از سسد معبر به این سو پی گرفته، با نوعی خودداری تکان دهنده تاثیر گذاری



خشونت پنهان نقشش را صدبرابر کرده است. در قصر شیرین نیز این بازیگر را در اوج می بینیم؛ در نقشی که روند تدریجی تغییر درونی کاراکتر را با ظرافتی مثال زدنی به تصویر می کشد.

## میر کریمی عاشق و حامد بهداد دست دوم!

نشست مطبوعاتی قصر شیرین یکی از با مزه ترین نشست های جشنواره امسال بود. نشست که در آن ده ها نکته با مزه بر زبان آمد، از جمله این خبر ذاتا جنجالی که حامد بهداد انتخاب اول رضا میر کریمی نبوده و بعد از عدم توافق با بازیگری

## حاشیه

## عوضی بازی هادی حجازی فر!

شهروند | هادی حجازی فر، بازیگر فیلم ماجرای نیمروز: رد خون با انتشار عکسی، ضمن اشاره به تمام دشواری های ساخت این فیلم، از خوشحالی، شوخی و خنده های عوامل و به قول خودش از عوضی بازی در این فیلم نوشت: «بعد دو ماه فشرده بر گشته بودیم تهران، کارخانه ارج، حسین بعد برداشت، خم شد تا دخترش آسمان رو بغل کنه. بهویی یه دای زده و افتاد. سیاتیک و درد وحشتناک. اون روز حسین همینجوری خوابیده جلوی مانتیور ها کار رو پیش برد. این عکس مال لحظه ای است که ختم حسین مونده از میز. عوضی و خوشحال بودن کلی ما مگه میشه همین لحظه ای رو بدون عکس و شوخی، بی خیال شد.»



## جدول

متقد / فیلم	ناگهان درخت	قصر شیرین	سمفونی نهم
علی مصلح حیدرزاده	—	★★	●
سیدرضا صائمی	★	★★★★	★★
پوریا ذوالفقاری	★★★★★	★★★★	★
علیرضا مجمع	●	★★★★	●
امین فرج پور	★★★★	★★★★	★★
محمدصادق شایسته	★★★★★	★★★★	★★

امتیازات از ۵ ستاره داده شده است | (-): ندیده ام | ●: بی ارزش

## قاب روز



رُست های عجیب و جالب حامد بهداد مقابل دوربین عکاسان باز هم سوژه خوبی برای رسانه ها بود. خدا حامد عزیز را برای روزنامه ها حفظ کند.



شقایق دهقان، مهراب قاسم خانی و پیمان معادی به چه چیزی می خندند؟ کاری نوشته بود: «دارن به شقایق می کن خوب زد تو حال مهناز» (اشاره به عکس قبلی)



رسانه های تیزر زده اند صمیمیت مهناز افشار و شقایق دهقان در قاب عکس. اما تنها حسنی که از این عکس نشست خبری فیلم ناگهان درخت نمی گیریم صمیمیت است. نه؟ اینها یا هم دعوا اند از ند اینا؟